

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

بخش زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

---

---

نقد و بررسی طنز در شعر معاصر کرمان

---

---

استاد راهنما :

دکتر یحیی طالبیان

استاد مشاور :

دکتر صدیقه علی پور

مؤلف :

محمد مجتبی احمدی جوپاری

مردادماه ۱۳۸۹



این پایان نامه به عنوان یکی از شرایط درجه کارشناسی ارشد به

**بخش زبان و ادبیات فارسی**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**

**دانشگاه شهید باهنر کرمان**

تسلیم شده است و هیچگونه مدرکی به عنوان فراغت از تحصیل دوره مزبور شناخته نمی شود.

دانشجو: محمد مجتبی احمدی جوپاری

استاد راهنما: دکتر یحیی طالبیان

استاد مشاور: دکتر صدیقه علی پور

داور ۱: دکتر محمدرضا صرفی

داور ۲: دکتر عنایت الله شریف پور

معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده:

**حق چاپ محفوظ و مخصوص به دانشگاه شهید باهنر کرمان است.**

تقدیم به:

استادان بزرگوار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

و

شاعران و طنزپردازان فرهیخته استان کرمان

## تشر و قدردانی:

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر یحیی طالبیان  
استاد ارجمند سرکار خانم دکتر پوران علی پور  
و همه استادان گرانقدری که افتخار شاگردی شان را داشته و دارم  
سپاسگزارم.

## چکیده:

تحقیق «نقد و بررسی طنز در شعر معاصر کرمان» به شعر شاعران معاصر استان کرمان از منظر طنزپردازی می‌پردازد. این تحقیق، حضور طنز در آثار این شاعران را بررسی و تحلیل می‌کند و نگاهی نیز به پیشینه شعر طنز در کرمان و شعر طنز کرمان در دوره معاصر دارد.

به نظر می‌رسد طنز به عنوان ابزاری کارآمد به ویژه در حوزه انتقاد و اعتراض اجتماعی، در آثار برخی از شاعران معاصر کرمان حضوری برجسته و پررنگ دارد و ایشان برای بیان شاعرانه خود از عنصر طنز بهره برده‌اند.

آنچه باید به عنوان ضرورت و اهمیت انجام این تحقیق در نظر گرفته شود، پرداختن به چهره کم‌تر نمایان شده شعر استان کرمان یعنی شعر طنز، نشان دادن حضور پررنگ طنز در شعر شاعران معاصر کرمان، معرفی شاعران طنزپرداز این دیار در دوران معاصر، ارائه نمونه‌هایی از اشعار طنز و طنزآمیز شاعران کرمان و نقد و بررسی روش‌های ساخت طنز در آن اشعار است که با روش کتابخانه‌ای و ضمن بررسی آثار و اشعار مکتوب شاعران استان کرمان در دوره معاصر انجام می‌شود.

با نگاه دقیق به آثار بسیاری از شاعران معاصر کرمان به این نتیجه می‌رسیم که ایشان برای بیان شاعرانه خود از عنصر طنز بهره برده‌اند و در این راه، به مضامینی از این دست، توجه بیش‌تری داشته‌اند: واگویی دردهای اجتماعی، نقد دینداری ظاهری و زهد ریایی، نقد فضای اجتماعی و سیاسی، روابط نادرست و آزاردهنده انسانی، نقد زندگی امروزی و معضلات آن، نقد دروغ، تزویر، بی‌هویتی، بی‌حمیتی و...

در مجموع، شعر و شاعر کرمان در دوره معاصر با طنز انس و الفتی محکم دارد، هم از نظر حضور پررنگ طنز در شعرهایی که به جد سروده می‌شوند، و هم به لحاظ شعر طنز که به نظر می‌رسد در موقعیتی فراگیر و رو به پیشرفت در بین شاعران استان کرمان قرار دارد.

## کلمات کلیدی:

شعر معاصر، کرمان، طنز

## فهرست

فصل اول: کلیات	۱-۳
۱-۱- درآمد	۲
۲-۱- بیان مساله	۲
۳-۱- پیشینه تحقیق	۲
۴-۱- فرضیه ها	۳
۵-۱- هدف ها و ضرورت های تحقیق	۳
۶-۱- روش تحقیق	۳
فصل دوم: ملاحظات نظری	۴-۲۵
۱-۲- طنز و گونه های دیگر شوخ طبعی	۵
۱-۱-۲- طنز	۶
۲-۱-۲- هزل	۷
۳-۱-۲- هجو	۹
۴-۱-۲- فکاهه	۹
۲-۲- ویژگی های طنز	۱۰
۳-۲- تفاوت گونه های شوخ طبعی	۱۳
۴-۲- هدف ها و کارکردهای طنز	۱۴
۵-۲- شیوه های ساخت طنز یا روش های طنزپردازی	۱۵
۱-۵-۲- مبالغه، اغراق و غلو	۱۶
۲-۵-۲- پارادوکس	۱۷
۳-۵-۲- تهکم	۱۷
۴-۵-۲- ایهام	۱۸
۵-۵-۲- ایهام	۱۹

۱۹	..... کنایه طنز آمیز	۲-۵-۶
۲۰	..... بازی با کلمات	۲-۵-۷
۲۱	..... نقیضه	۲-۵-۸
۲۲	..... حماسه مضحک	۲-۵-۹
۲۲	..... مهمل گویی	۲-۵-۱۰
۲۳	..... تحقیر	۲-۵-۱۱
۲۳	..... بیان معکوس معانی	۲-۵-۱۲
۲۴	..... نقل قول مستقیم	۲-۵-۱۳
۲۴	..... استفاده از زبان و فرهنگ عامیانه	۲-۵-۱۴
۲۵	..... جمع بندی ملاحظات	۲-۶
۲۶-۴۱	<b>فصل سوم: پیشینه و پیشینیان شعر طنز در کرمان</b>	
۳۱	..... حکیم قاسمی کرمانی	
۴۲-۶۳	<b>فصل چهارم: نگاهی به شعر طنز کرمان در دوره معاصر</b>	
۴۵	..... نقد و بررسی چند شعر طنز	
۶۴-۱۶۷	<b>فصل پنجم: طنز در شعر شاعران معاصر کرمان</b>	
۶۵	..... ۱-۵- نگاهی به شعر سه شاعر معاصر کرمان	
۶۷	..... ۱-۱-۵- منوچهر نیستانی	
۱۱۲	..... ۲-۱-۵- احمد رضا احمدی	
۱۲۵	..... ۳-۱-۵- کیومرث منشی زاده	
۱۵۲	..... ۲-۵- نگاهی به شعر چند شاعر معاصر دیگر	
۱۶۸	<b>تحلیل بحث</b>	
۱۷۱	<b>نتیجه گیری</b>	
۱۷۲	<b>فهرست منابع</b>	



# فصل اول: کلیات

## ۱-۱-۱- درآمد

کرمان، این دیار کهن همانند دیگر مناطق ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیب بسیاری از اهالی فرهنگ، هنر و ادب را در خود پرورانده و جای داده است. روزگاران این خطه همواره با حضور دانشمندان، هنرمندان، ادیبان و... همراه بوده است و در این میان، شاعرانی نیز در خاک شاعرخیزش بالیده‌اند و برگ‌های ماندگاری را به کتاب ناب و پر بار ادبیات این مرز و بوم افزوده‌اند.

بی‌گمان مشهورترین شاعر کرمان «خواجوی کرمانی» است اما پیش از او، هم‌عصر با او و پس از او شعرای بسیاری توانسته‌اند اندیشه‌های خیال‌انگیز خود را در قالب‌های شاعرانه به ثبت برسانند و در دفتر شعر کرمان بزرگ به یادگار بگذارند.

شاعران اندیشمند همیشه می‌کوشند تا برای بیان گفتنی‌هایشان مناسب‌ترین قالب شعری و بیان شاعرانه را برگزینند. در این میان بوده‌اند شاعرانی که گاهی زبان طنز را برای بیان شاعرانه خود انتخاب کرده و ترجیح داده‌اند با نگاهی طنزپردازانه به موضوع مورد نظر خود بنگرند و حرف‌های خود را با زبانی طنزپردازانه یا در قالب «شعر طنز» بیان کنند.

شعر معاصر کرمان نیز از چنین شاعرانی خالی نیست و شاعرانی هستند که با زبان طنز، شعر نوشته‌اند و می‌توان آثار طنز و طنزآمیزشان را لابه‌لای مجموعه‌ها، جست‌وجو کرد.

تحقیق «نقد و بررسی طنز در شعر معاصر کرمان» کوشیده است تا با پژوهش در آثار شاعران استان کرمان در دوران معاصر، حضور طنز را در این آثار جست‌وجو و بررسی کرده و شاعران طنزپرداز و شعر طنز این خطه را معرفی و نقد کند.

## ۱-۲- بیان مساله

تحقیق «نقد و بررسی طنز در شعر معاصر کرمان» به شعر شاعران معاصر استان کرمان از منظر طنزپردازی می‌پردازد.

این تحقیق، حضور طنز در آثار این شاعران را بررسی و تحلیل می‌کند و نگاهی نیز به پیشینه شعر طنز در کرمان و شعر طنز کرمان در دوره معاصر دارد.

## ۱-۳- پیشینه تحقیق

این تحقیق بر مبنای آثار موجود شاعران استان کرمان و با بررسی شعرها و سروده‌های ایشان انجام می‌شود. بنا بر نظریه‌های موجود، طنز در آثار شاعران این استان نمود و حضور دارد و در این

تحقیق، آنچه که در آثار شاعران کرمان، زیر عنوان «طنز» قابل شناسایی و بررسی است، گردآوری، معرفی و بررسی شده است.

بر طبق بررسی‌های صورت گرفته، پژوهش‌های چندانی با موضوع این تحقیق انجام نشده است. به موارد یافته شده، اشاره می‌شود:

- مقاله‌ای کوتاه با عنوان «نگاهی به پیشینه شعر طنز کرمان» (میرافضلی، ۱۳۸۷: ۶)

- کتاب «از خواجه تا...» (گزیده آثار طنز و کاریکاتور استان کرمان) (نیک‌نفس، ۱۳۸۴)

(که در فصل چهارم به آن‌ها پرداخته شده) و یادداشت‌ها و مقالات پراکنده‌ای که درباره حضور طنز در شعر بعضی شاعران معاصر کرمان نوشته شده و در برخی نشریات به چاپ رسیده است.

#### ۱-۴- فرضیه‌ها

۱. فرض بر این است که طنز به عنوان ابزاری کارآمد در آثار شاعران معاصر استان کرمان جایگاهی ویژه و حضوری برجسته و پررنگ دارد و ایشان برای بیان شاعرانه خود از عنصر طنز بهره برده‌اند.

۲. شعرهای این شاعران گاهی آمیخته با طنز منتقدانه است و گاهی توأم با شوخ طبعی رندانه.

۳. شاعر کرمان در دوره معاصر، طنز را با اهداف و رویکردهای گوناگونی (غالباً در زمینه انتقاد و اعتراض اجتماعی) مورد استفاده قرار داده است.

#### ۱-۵- هدف‌ها و ضرورت‌های تحقیق

هدف‌های این تحقیق را می‌توان در پرداختن به چهره کم‌تر نمایان شده شعر استان کرمان یعنی شعر طنز، نشان دادن حضور پررنگ طنز در شعر شاعران معاصر کرمان، معرفی شاعران طنزپرداز این دیار در دوران معاصر، ارائه نمونه‌هایی از اشعار طنز و طنزآمیز شاعران کرمان و نقد و بررسی روش‌های ساخت طنز در آن اشعار خلاصه کرد.

#### ۱-۶- روش تحقیق

روش اجرای این تحقیق، کتابخانه‌ای است.

فصل دوم:  
ملاحظات نظری

## ۲-۱- طنز و گونه‌های دیگر شوخ‌طبعی

«شوخی‌طبعی» که در تولیدات گوناگون هنری، و از جمله تولیدات ادبی دیده می‌شود، انواع مختلفی دارد. انواع شوخی‌طبعی در آثار هنرمندان قرون گذشته بروز و ظهور داشته اما بی‌شک شکل، تعریف و حتی عنوان آن‌ها با آنچه در دوره معاصر مطرح می‌شود، متفاوت بوده است.

ما در این مقال بر آنیم تا گونه‌های شوخی‌طبعی یعنی «طنز» و همسایه‌های خنده‌رویش «هزل»، «هجو» و «فکاهه» را بررسی کنیم و از این رهگذر با در کنار هم قرار دادن تعاریف، ویژگی‌ها، تفاوت‌ها، اهداف و کارکردهای این گونه‌ها به آنچه در «نقد و بررسی طنز در شعر معاصر کرمان» از مفهوم «طنز» در نظر داریم، نزدیک شویم.

البته چنان‌که صاحب‌نظران معتقدند، مفاهیم هنری و ادبی و از جمله «طنز»، چندان تعریف‌بردار نیستند اما تا حدودی می‌توان آن‌ها را تفکیک و متمایز کرد.

«امروزه، اکثر مردم هر نوشته یا عمل خنده‌دار یا هر چیزی را که در آن به نوعی عنصر خنده و تمسخر وجود داشته باشد، طنز می‌نامند و آن را وسیله‌ای برای لذت‌جویی و گذران وقت و بعضاً سبکی می‌دانند. در حالی که طنز یکی از انواع شوخی‌طبعی است و ویژگی‌های خاص خود را دارد. در بسیاری از نوشته‌ها نیز به علت نبود تعریف جامع و مدونی از شوخی‌طبعی، اصطلاحات رایج در این شاخه ادبی غالباً یا به جای هم و یا در معانی‌ای غیر از مفاهیم اصلی خود به کار می‌روند. این اختلاط معانی در مباحث شفاهی چندان مهم نیست زیرا معمولاً مقصود گوینده را از به کار بردن هر کلمه می‌توان درک کرد حتی اگر لفظی که برای آن انتخاب شده دقیق نباشد، اما در مباحث مکتوب، از آنجا که کلمات به عنوان اصطلاحات تکنیکی به کار می‌روند، تعیین مصداق دقیق هر کلمه مهم است.

آنچه انواع شوخی‌طبعی را از هم جدا می‌کند، در نگاه نخست هدف از خندانند است که ممکن است ایجاد لذت و تفریح، انتقام‌گیری و ویران ساختن شخصیت فرد یا افراد و یا اصلاح و سازندگی باشد.» (کرد چگینی، ۱۳۸۸: ۱۹)

بی‌گمان همه تولیدات هنری، هدفی را دنبال می‌کنند و صاحبان آثار ادبی نیز در پی رسیدن به هدف یا اهدافی به خلق گونه‌های مختلف ادبی دست می‌زنند. بی‌شک به کارگیری گونه‌های گوناگون شوخی‌طبعی نیز از این قاعده مستثنا نیست. ابوالفضل زرویی نصرآباد با در نظر گرفتن اهدافی که این گونه‌ها می‌تواند داشته باشد، می‌نویسد: «شوخی‌طبعی آمیزه‌ای است از خنده، انتقاد،

کنایه و مسایلی غیرجدی که با کم و زیاد شدن هر یک از عوامل، انواع شوخ طبعی شکل می‌گیرد.»  
(زرویی نصرآباد، ۱۳۷۵: ۴۲)

در ادامه، انواع شوخ طبعی را با نگاهی به نظرات صاحب نظران این عرصه، بررسی کرده و به شناخت معانی و مفاهیم آنها خواهیم پرداخت.

## ۲-۱-۱- طنز

«طنز در اصل واژه‌ای عربی است و در واژه، معنی مسخره کردن، طعنه زدن، عیب کردن، سخن به رموز گفتن و به استهزا از کسی سخن گفتن می‌دهد.» (اصلائی، ۱۳۸۷: ۱۴۰)

در فرهنگ دهخدا ذیل واژه «طنز» به «فسوس کردن، بر کسی خندیدن، عیب کردن، لقب کردن و...» اشاره شده و برای طنز در معنای «طعنه و سخریه» چند مثال آمده است: «بزرگان طنز فرانسئانند. (تاریخ بیهقی، ص ۳۹۲)

زبون‌تر از مه سی روزهام مهی سی روز  
مرا به طنز چو خورشید خواند آن جوزا (خاقانی)  
سال‌ها جستم، ندیدم زو نشان  
جز که طنز و تسخر این سرخوشان (مولوی)  
قهقهه زد آن جهود سنگدل  
از سر افسوس و طنز و غش و غل (مولوی)  
عقلم به طنز گفت که انظر الی الابل  
کاندر ابل عجایب صنع خدا بسی است (سلمان ساوجی)  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۵۳۱)

علی‌اصغر حلبی در «تاریخ طنز و شوخ طبعی» می‌نویسد: «طنز... به معنی به مسخره از فردی یا جمعی سخن گفتن و استهزا کردن، و در اصطلاح ادبی نوعی از آثار ادبی که در برشمردن زشتی‌ها و رذایل فردی یا جمعی و آگاهانیدن مردم از آنها می‌کوشد.» (حلبی، ۱۳۷۳: ۲)

در «فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز» نیز به معنای اصطلاحی طنز پرداخته شده است: «در اصطلاح ادبی طنز به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد. در کتاب مقدمه مک گراهیل بر ادبیات در تعریف طنز آمده است: اثری ادبی که با استفاده از بذله، وارونه‌سازی، خشم و نقیضه، ضعف‌ها و تعلیمات اجتماعی جوامع بشری را به نقد می‌کشد.» (اصلائی، ۱۳۸۷: ۱۴۰)

همچنین بعضی از محققین، طنز را از نظر ادبی «شیوه بیان مطالب انتقادی و نفرت‌بار همراه با خنده و شوخی» دانسته‌اند. (حری، ۱۳۸۷: ۳۵)

البته طنز، چنان‌که در بعضی از آثار خواهیم دید، الزاما با خنده همراه نیست و اتفاقا ممکن است به تلخی ذائقه مخاطب بینجامد اما نکته‌سنجی طنزپرداز می‌تواند رضایت خاطر مخاطب را به همراه داشته باشد.

دکتر بهزادی اندوهجردی می‌نویسد: «شیوه خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی و انتقادی و سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفرآمیز ناشی از فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه که دم‌زدن از آن‌ها به صورت عادی یا به طور جدی، ممنوع و متعذر باشد، در پوششی از استهزا و نیشخند، به منظور نفی و برافکندن ریشه‌های فساد و موارد بی‌رسمی، طنز نامیده می‌شود. به عبارت ساده‌تر طنز را می‌توان انتقاد و نکته‌جویی آمیخته به ریشخند تعریف کرد و آن را طرزی خاص از انواع ادبی برشمرد که با تعریض و به طور غیرمستقیم اظهار می‌شود.» (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۶)

چنان‌که می‌بینیم؛ در این تعریف‌ها منتقدانه و معترضانه بودن طنز، بسیار مورد توجه قرار گرفته و البته دایره این انتقاد و اعتراض معمولا از دعوای شخصی فراتر رفته و اجتماع و مسائل و معضلات جامعه، به عنوان هدف اصلی نقد و طعنه طنزآمیز در نظر گرفته شده است.

برخی از پژوهشگران به کارگیری واژه «طنز» در معنای امروزی را امری تازه می‌دانند. ایرج پزشک‌زاد معتقد است: «شروع رایج شدن لفظ طنز به معنای امروزی مربوط به دهه بیست است که بعضی بزرگان ادب به خاطر تفکیک و تمیز طنز از هجویه‌های رکیک و زشت رایج در مطبوعات، اصطلاح طنز را باب کردند. عباس اقبال آشتیانی، در مجله ارمغان و دکتر پرویز خانلری، در مجله سخن، به خصوص به مناسبت معرفی عبید زاکانی، لفظ طنز را کم‌کم و به همراه الفاظ کمکی دیگر برای رساندن معنی - مثل «طنز و کنایه» یا «طنز و مطایبه» - برابر ساتیر غربی (Satire) معمول کردند و به مرور از طرف جامعه پذیرفته شد.» (پزشک‌زاد، ۱۳۸۱: ۳۹)

به هر روی چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛ همچنان بسیاری از مردم قادر به تفکیک بین انواع شوخ‌طبعی نیستند، اما بسیاری از صاحب‌نظران ضمن این تفکیک، سه عامل شوخی، انتقاد و اصلاح را لازمه شکل‌گیری طنز می‌دانند.

## ۲-۱-۲- هزل

هزل، به فتح اول و سکون دوم در لغت، به مزاح کردن بیهوده و سخن بیهوده معنی شده است. در کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار حسین واعظ کاشفی برای تعریف هزل آمده است: «در لغت بیهوده گفتن باشد و در اصطلاح آن است که شاعر در کلام خود لفظی چند ایراد کند که

محک عقل تمام عیار نبود و به میزان صدق سنجیده نباشد و با وجود آن موجب تفریح و تنشیت بعضی طباع گردد». (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۸۲)

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «هزل» آمده است: «هزل آن است که از لفظ، معنای آن ارائه نشود؛ نه معنای حقیقی و نه مجازی، و آن ضد جد است. (تعریفات). در اصطلاح اهل ادب شعری است که در آن کسی را ذم گویند و بدو نسبت‌های ناروا دهند، یا سخنی است که در آن مضامین خلاف اخلاق و ادب آید:

محال را نتوانم شنید و هزل و دروغ که هزل گفتن کفر است در مسلمانی (منجیک ترمذی)  
گاه نظم و گاه نثر و گاه مدح و گاه هجو/ روز جد و روز هزل و روز کلک و روز دن (منوچهری)  
مکن فحش و دروغ و هزل پیشه مزن بر پای خود زنهار تیشه (ناصر خسرو)»  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۴۶۹)

البته به تعریفی که در لغت‌نامه دهخدا آمده، دو اشکال وارد است؛ نخست اینکه نباید هزل را در اصطلاح ادبی به شعر محدود کرد زیرا آثار منثوری که عنوان هزل بر آنها اطلاق می‌شود کم نیست، و دودیگر؛ تعریف هزل به اینکه «در آن کسی را ذم گویند و بدو نسبت‌های ناروا دهند» برای تعریف هجو مناسب‌تر به نظر می‌رسد. (چنان که خواهد آمد).

همان‌طور که در بخش نخست این تعریف می‌بینیم، «هزل» در مقابل «جد» قرار گرفته (همان‌طور که در بیت منوچهری هم مشاهده می‌شود) و دلالت بر سخنان گزاف، حرف‌های یاه و شوخی‌های بی‌هوده دارد. اما دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی با نگاهی دیگر، هزل را این‌گونه تعریف کرده است: «هزل سخنی است که در آن هنجار گفتار به اموری نزدیک شود که ذکر آن‌ها، در زبان جامعه و محیط زندگی رسمی و در حوزه قراردادهای اجتماعی حالت الفاظ حرام یا تابو داشته باشد و در ادبیات ما مرکز آن بیش‌تر امور مرتبط با سکس است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵۲)

در تعریف لغت‌نامه هم به «سخنی که در آن مضامین خلاف اخلاق و ادب آید» اشاره شده و باید این معنای دیگر را برای هزل در نظر گرفت. مولوی نیز در مثنوی معنوی واژه «هزل» را در رابطه با مواردی به کار می‌برد که حکایاتی ظاهراً زشت و شرم‌آور را همراه با الفاظ رکیک، آورده است. البته او چنان هزلی را تعلیمی می‌داند که نباید به ظاهرش هزلانه‌اش توجه کرد، بلکه باید مانند سخنی جدی، آن را شنید و پیامش را دریافت کرد.



## ۲-۱-۳- هجو

در لغت‌نامه دهخدا ذیل این واژه که عربی است آمده است: «نکو هیدن، شمردن معایب کسی، عیب کردن، دشنام دادن کسی را به شعر، هجا، بدگفتن، شتم...»  
در همه دیوان من دو هجو نبینی  
در همه گلزار خلد خار نیابی (خاقانی)  
هجو کردن؛ بدگویی کردن، هجا گفتن، هجو گفتن؛ هجو کردن:  
هر که تو را هجو گفت و هجو تو را خواند روز شهادت زبان او نشود گنگ (منجیک)  
مادحت گر هجو گوید برملا روزها سوزد دلت ز آن سوزها (مولوی)  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۴۱۶)

در «فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز» آمده است: «هجو» شعری است که در تقابل با «مدح» قرار می‌گیرد و برای مقاصد شخصی به کار می‌رود. هجو زبانی گزنده، صریح و گاه توهین‌آمیز دارد. (اصلائی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

در این تعریف‌ها هجو در مقابل مدح قرار گرفته و همان‌طور که در مدح، شخص مدح‌کننده از روی امیال و اغراض شخصی به مدح کسی می‌پردازد، در هجو نیز سراینده دلایلی شخصی دارد و با آن دلایل، کسی را مورد هجو تند و تیز خود قرار می‌دهد. معنای مرسوم و متداول هجو همین است که هجو را آمیخته با توهین و بدزبانی می‌داند.

دکتر شفیعی کدکنی در تعریف هجو می‌گوید: «هرگونه تکیه و تأکیدی بر زشتی‌های وجود یک چیز - خواه حقیقت، خواه ادعا - هجو است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵۲)  
در این تعریف «تکیه و تأکید بر زشتی‌های وجود یک چیز» (و البته نه یک شخص) مدنظر قرار گرفته است. البته این تعریف نیز چندان کامل و دقیق نیست زیرا گاهی در طنز و هزل هم این تکیه و تأکید وجود دارد و آنچه گونه‌های مختلف را از هم متمایز می‌کند، هدف، نوع نگاه و شیوه بیان است. (در بخش ویژگی‌ها و تفاوت‌های گونه‌های شوخ‌طبعی، به این موضوع بیش‌تر خواهیم پرداخت).

## ۲-۱-۴- فکاهه

برای این واژه در لغت‌نامه دهخدا معانی «خوش‌منشی و لاغ» و «مزاح برای انبساط نفس» آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۱۹۵)

آنچه که بر آن «فکاهه» اطلاق می‌شود، معادل مزاح، شوخی و لطیفه است. شاید بتوان گفت بسیاری از اشعار و نوشته‌هایی که امروزه به عنوان «طنز» می‌شنویم و می‌خوانیم در حقیقت فکاهه‌اند که معمولاً هدفی جز تمسخر و خندانند ندارند. در دوره معاصر، مفهوم طنز بیش از گونه‌های دیگر شوخ‌طبعی، با مفهوم فکاهه اشتباه گرفته می‌شود و فکاهه‌سروده‌ها و فکاهه‌نوشته‌ها عنوان شعر و نثر طنز به خود می‌گیرند.

البته باید دانست «رایج‌ترین شاخه شوخ‌طبعی، فکاهه است. این شاخه از شوخ‌طبعی به جهت سهولت نقل و انتشار آن در جامعه بیش از شاخه‌های دیگر رشد و نمو داشته است.» (امینی، ۱۳۸۵: ۱۸)

عمران صلاحی در مقاله «خنده و مشتقات آن» فکاهه را صورت تکامل یافته هزل، و طنز را صورت تکامل یافته هجو می‌داند و در تعریف فکاهه می‌نویسد: «فکاهه، هزلی است که از جنبه خصوصی در آید و جنبه عام بگیرد.» (صلاحی، ۱۳۷۶: ۵۴)

تکامل یافتن هزل در این تعریف احتمالاً بدین معناست که سخن از مضامینی که بسیار خلاف ادب و اخلاق هستند و با زبانی رکیک بیان می‌شوند، دور می‌شود و فکاهه و مطایبه‌ای شکل می‌گیرد که جنبه خصوصی ندارد و می‌توان آن را به منظور خندانند و انبساط خاطر برای همگان نقل کرد. بنابراین فکاهه را می‌توان فاقد درون‌مایه‌ای که به لحاظ محتوایی دارای عمق و ژرفا باشد دانست که هدفی جز خندانند را دنبال نمی‌کند.

## ۲-۲- ویژگی‌های طنز

برای آن که بتوان طنز را از دیگر گونه‌های شوخ‌طبعی جدا کرد و بین آثار طنز و دیگر آثار تفکیک قائل شد، باید ویژگی‌های این گونه ادبی شوخ‌طبعانه را بهتر شناخت. اینک به مرور برخی از این ویژگی‌ها از منظر صاحب‌نظران می‌پردازیم.

محمد رضا اصلانی درباره طنز می‌نویسد: «طنز تفکر برانگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد. طنز گرچه طبیعتش بر خنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله‌ای می‌انگارد برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت‌ها. طنز گرچه در ظاهر می‌خندانند، اما در پس این خنده، واقعیتی تلخ و وحشتناک وجود دارد که در عمق وجود، خنده را می‌خشکاند و او را به تفکر وامی‌دارد.» (اصلانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

علی موسوی گرمارودی نگاهی هدف‌مدار به طنز دارد و می‌نویسد: «طنز و زیرمجموعه‌های آن، قلقلک دادن ارواح اعیان و والا (= فرزانه و فرهیخته) به قصد آگاه کردن شادمانه آن‌ها از موضوعی است.» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۶)

عمران صلاحی به «غرض اجتماعی» در طنز اشاره می‌کند: «طنز یعنی به تمسخر گرفتن عیب‌ها و نقص‌ها به منظور تحقیر و تنبیه از روی غرض اجتماعی و آن صورت تکامل یافته هجو است.» (صلاحی، ۱۳۷۳: مقدمه)

یحیی آراین‌پور در کتاب «از صبا تا نیما» درباره خنده حاصل از طنز می‌نویسد: «خنده‌ای است تلخ و جدی و دردناک و همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زننده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است برطرف می‌کند. به عبارت دیگر اشاره و تنبیهی اجتماعی است که عزلت و غفلت را مجازات می‌کند و هدف آن اصلاح و تزکیه است، نه ذمّ و قدح و مردم‌آزاری. این نوع خنده، خنده علاقه و دلسوزی است؛ ناراحت می‌کند اما ممنون می‌سازد و کسانی را که معروض آن هستند، به اندیشه وامی‌دارد.» (آراین‌پور، ۱۳۸۲: ۳۶)

با نگاهی به این نظرات، چند ویژگی را می‌توان برای طنز شناسایی کرد: تفکر برانگیز بودن، آگاهی‌بخشی، انتقاد، به تمسخر گرفتن عیب‌ها و نقص‌ها به منظور تحقیر و تنبیه از روی غرض اجتماعی، اشاره و تنبیهی اجتماعی با هدف اصلاح و تزکیه، خنده‌ای از روی علاقه و دلسوزی.

همچنین در کتاب «فرهنگ توصیفی ادبیات و طنز» آمده است: «طنزنویس را نگهبان خودخواسته موازین، آرمان‌ها و حقیقت، اخلاق و ارزش‌های هنری دانسته‌اند که تعهد کرده است حماقت‌ها و شرارت‌های جامعه را تصحیح، نکوهش و تمسخر کند و از پایگاهی مطلوب و متمدانه، گمراهی را مورد سرزنش و ریشخند قرار دهد.» (کادن، ۱۳۸۰: ۳۹۵)

سیمون کریچلی طنز را «یکی از شرایط لازم برای اخذ رویکرد انتقادی نسبت به چیزی که زندگی روزمره قلمداد می‌شود» می‌داند و آن را «عامل ایجاد تغییر در شرایط ما، که هم‌رهایی‌بخش و تعالی‌بخش است و هم افسونگر و جذاب» عنوان می‌کند و می‌نویسد: «به این مفهوم، می‌توانیم رویکرد طنزآمیز خویش را گواه خردمندی و فرزاندگی و نیز انسانیت خویش قلمداد کنیم.» (کریچلی، ۱۳۸۴: ۵۵)

الکساندر پوپ نیز طنز را زاده غریزه اعتراض می‌داند، اعتراضی که به هنر تبدیل شده است. جان درایدن هدف غایی طنز را اصلاح شرارت‌ها می‌داند. دانیل دوفو از طنز با تعبیر

«تغییری اساسی» یاد کرد... جاناناتان سوئیفت، نویسنده‌ی بزرگ ادبیات انگلیس توصیف معروفی درباره طنز دارد: «آینه‌ای است که بینندگان آن عموماً چهره‌ی کسی جز خودشان را در آن کشف می‌کنند و این علت عمده‌ی استقبال است که نسبت به طنز در دنیا وجود دارد و باز به همین خاطر کم‌تر کسی از آن می‌رنجد.» (به نقل از: اصلانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

یحیی آراین‌پور درباره قلم طنزنویس می‌نویسد: «قلم طنزنویس کارد جراحی است نه چاقوی آدم‌کشی. با همه تیزی و برندگی‌اش، جانکاه و مودی و کشنده نیست بلکه آرامش‌بخش و سلامت‌آور است. زخم‌های نهانی را می‌شکافد و می‌برد و چرک و ریم و پلیدی‌ها را بیرون می‌ریزد، عفونت را می‌زداید و بیمار را بهبود می‌بخشد. گاهی خنده و شوخی گذران و خفیف و زاییده نقص‌ها و اشتباهات کوچک و بی‌اهمیت است و زمانی تلخ و زهرآگین و ناشی از عیوب و مفاسد و گمراهی‌هایی که مقام اخلاقی طبیعت بشری را تنزل می‌دهند. پس هرچه مخالفت نویسنده و بغض و کینه او نسبت به حوادث زندگی شدیدتر و قوی‌تر باشد، به همان نسبت طنز کاری‌تر و دردناک‌تر می‌شود و از شوخی و خنده ساده و سبک به مرتبه‌ی اعلا‌ی آن که همان «طنز واقعی» باشد نزدیک‌تر می‌گردد.» (آراین‌پور، ۱۳۸۲: ۳۶، ۳۷)

سیمون کریچلی درباره خنده حاصل از طنز می‌نویسد: «از نظر من، لبخندی که داشته‌ها و نداشته‌ها و لذت‌ها و دردها و اعتلا و زجر نهفته در شرایط انسان را به سخره می‌گیرد، عنصر ذاتی و اساسی طنز است. این همان risus purus یا عالی‌ترین خنده است، خنده‌ای که به خنده می‌خندد، خنده به چیزی نامیمون... اما این لبخند باعث غم و ناشادی نیست، بلکه موجب تعالی و رهایی و زلالی تسلی خاطر و آرامش است. به همین دلیل است که انسان، این حیوان مالیخولیایی، شادترین موجود نیز هست. ما لبخند می‌زنیم و خویشتن را مضحک می‌یابیم. فلاکت و بدبختی ما مایه عظمت و بزرگی مان نیز هست.» (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۳۱)

حال این فلاکت، بدبختی و نابسامانی می‌تواند جنبه فردی داشته باشد و یا بخشی از اجتماع یا کل یک جامعه را در برگیرد. اما در هر حال طنزنویس در انتخاب موضوع، مضمون و محتوای اثر طنز محدودیتی ندارد.

در نظرات ارائه شده چند نقطه مشترک درباره طنز وجود دارد: انتقاد و اعتراض، پرداختن به جامعه و دقت در مسائل اجتماعی، گوشزد کردن ناهنجاری‌ها و زشتی‌ها با بیانی هنرمندانه و طنزآمیز.

اما دکتر شفیع کدکنی طنز را گونه‌ای از هنر می‌داند و بدون در نظر گرفتن جنبه اجتماعی و سیاسی و هدف طنز، آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» که